



"لئو تولستوی" نویسنده بلندآوازه روسی (1910م)

لئو تولستوی، نویسنده شهیر روسی در نهم سپتامبر سال 1828 در روسیه به دنیا آمد. از نوجوانی استعداد درخشان و هوش سرشارش، معلمان را به تعجب و امید داشت.

لئو تولستوی، نویسنده شهیر روسی در نهم سپتامبر سال 1828 در روسیه به دنیا آمد. از نوجوانی استعداد درخشان و هوش سرشارش، معلمان را به تعجب و امید داشت. لئون در جوانی وارد ارتش شد ولی پس از مدتی به نویسندگی روی آورد و به آموختن زبان‌های فرانسه و یونانی همت گماشت. تولستوی در میانسالی، از زندگی احساس ناراضی می‌کرد و تردید و زدگی در قلب او ریشه می‌دوانید. او مدام در جستجوی زندگی بود، در معنای مسیحیت سیر می‌کرد و سرانجام به این نتیجه رسید که انجیل، خطاها و تحریفات بسیار دارد اما منکر معنی اصلی مسیحیت، نشد. از این رو بیست سال آخر عمر تولستوی برای حکومت روس دردسر به حساب می‌آمد، او را تحت نظر قرار داده و بیشتر آثارش را ممنوع کردند. هم‌چنین یک کلیسا وی را در 72 سالگی تکفیر کرد. وی در قحطی سال 1891م با دریافت کمک‌های انسانی به یاری مردم شتافت و در اواخر عمر، چنان بلندآوازه شد که تقریباً همه دنیا او را می‌شناختند و به آثار و شخصیتش ارج فراوان می‌نهادند تا جایی که مهاتما گاندی رهبر هند طی نامه‌ای به تولستوی، خود را خاکسار تولستوی خواند. تولستوی در سال‌های پایانی عمر خود، تزار دوم لقب گرفته بود، زیرا حکومت بیم داشت که حتی کوچک‌ترین تعرضی به او بکند. او در روسیه به استثنای تزار، یگانه کسی بود که می‌توانست هر چه دلش می‌خواست بگوید و در امان باشد. او این آزادی را با قدرت قلمش و با نمونه‌وار زیستش به دست آورده بود. تولستوی عالی‌ترین نمایشگر روح ملت روس به شمار می‌رود. او همانند یک دانشمند الهیات و معتقد به اصول اخلاقی در جستجوی مرام دوستی پاک و بی‌آلایش بود که در مسیحیت اولیه وجود داشت. تولستوی در میان رفاه و ثروت و شهرت، شکاکیتی در دل داشت و تحولی را در دلش ایجاد کرد که آیین تولستوی نتیجه آن بود. این آیین مبتنی بر عشق مسیحی و متضمن اصل عدم مقاومت در برابر شر است. تولستوی که آمیخته‌ای از خصوصیت‌های متناقض بود و نمی‌توانست زندگی را با اندیشه‌های خویش وفق دهد در مورد مذهب به تغییر عقیده رسید و به ارتدوکس گروید. وی در کتاب اعتراف، سرخوردگی پیاپی خود را از زندگی آمیخته به لذت، مذهب قراردادی و علم و فلسفه بیان می‌کند. با این حال تولستوی اعلام کرد که دیگر برای پرستندگان، زمان آن فرا رسیده است که دست از آداب ظاهری و قشری بردارند و به حقیقت و راستی بپردازند. وی خواهان خدمت متقابل، مساوات اجتماعی و کوشش مشترک برای از بین بردن ول‌خرجی‌ها و زیاده‌روی‌توانگران و مسکنت و رنج بی‌نوابان بود که این مذهب واقعی اوست. شهرت و بقای تولستوی به سبب داستان‌هایش بود. عظمت کتاب جنگ و صلح او، علاوه بر وسعت موضوع و کمال هنرمندی، در بیان نکته‌های فلسفی و اخلاقی موجود در آن نهفته است. تولستوی در این اثر به شیوه‌ای بسیار کامل، حوادث اساسی زندگی از تولد، بلوغ و ازدواج تا کهولت، مرگ و نیز جنگ و صلح را مورد توجه قرار داده است و به همین دلیل از طرف منتقدان به عنوان حماسه‌ای بزرگ مورد ستایش قرار گرفته است. اگر چه داستان‌ها و کتاب‌های تولستوی با ستایش و پیروزی همراه گشت، با این حال وی معتقد بود هنر دروغی بیش نیست و من دیگر نمی‌توانم این دروغ زیبا را دوست داشته باشم. تولستوی به سبب ترسیم دنیای معاصر و معرفتش درباره عالم محسوس و ملموس و توجهش به مسائل انسانی و هنر داستان‌نویسی، مرد بزرگ و رمان‌نویس برجسته و ممتاز روسیه در قرن نوزدهم به شمار می‌آید. علاوه بر جنگ و صلح، از تولستوی آثار متعددی به یادگار مانده که هنر چیست، حاجی مراد و تاریخ دیروز... از آن جمله است. لئو تولستوی سرانجام در بیستم نوامبر 1910 م در حالی که خانه را ترک کرده بود، همانند بی‌ناترین افراد، در بی‌خانمانی و سرگردانی در 85 سالگی درگذشت.